

8

نسبت "قانون" با "مالکیت"

در قسمت‌های قبل مفصل در مورد اینکه چه چیزی قانون هست و چه چیزی قانون نیست صحبت کردیم و گفتیم که هر دستورالعملی را که متولیان دین یا حکومت به طریقی بر ما تحمیل کنند نامش "قانون" نیست و اصطلاحاً اسم آن "فرمان" است. و گفته شد که قانون از اول و از همان آغاز، از یک نقطه‌ی ابتدایی و مهم شروع می‌شود که نامش نفع عمومی مالکان اصلی سرزمین است. حال در ادامه باید بگوییم، اگر به چیزی برخورد کردید که اسمش "قانون" بود و فرد دیگری آن را نوشته بود و از شما موکداً می‌خواست آن قوانین را بند به بند اجرا کنید، قبل از هر چیز باید یک راه خیلی ساده برای فرق‌گذاری بین "قانون" و "فرمان" را در اختیار داشته باشید. همان اول ماجرا یک سؤال خیلی ساده از خودتان پرسید. آن هم اینک:

«در آن محدوده‌ای که این قوانین قرار است اجرا شود، مالکیت آن محدوده با کیست؟»

اگر مالکیتش با ما نبود خب ما دو راه داریم، یا مالکیت آنجا را به دست بگیریم یا از آنجا خارج شویم. اگر مالکیتش را در دست گرفتیم ما هم باید؛ تاکید می‌کنم، باید برای تمام بندهای آن محدوده‌ی به مالکیت ما در آمده، نظر داشته باشیم و نظر بدهیم. اگر دیدیم که مالکیت آنجا از آن ما نیست، قاعدتاً یا باید به قوانین آنجا تمکین کنیم و احترام بگذاریم یا باید ترک آن محدوده کنیم. پس بحث مهم برای پذیرفتن یا نپذیرفتن هر قانونی در هر محدوده، ارتباط مستقیمی با شرایط "مالکیت" و نسبت ما با مالکیت آن محدوده دارد.

برای فهم معنای مالکیت و انواع آن در ساختار جامعه‌ی ایرانی و مذهبی این لینک را حتماً نگاهی بیندازید:

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%A7%D9%84%DA%A9%DB%8C%D8%AA>

حزب ما حزبی برای آزادی-عدالت

در فلسفه‌ی سیاسی معنای مالکیت، بسته به نوع نگاه شما که اساساً چه اموری قابل تصاحب هستند یا نیستند، فرق می‌کند. مثلاً برخی اعتقاد دارند، مالکیت یک مکان بر اساس میزان سرمایه‌ای است که می‌توانی برای تصاحبش خرج کنی و برخی نوع تصاحب را بر مبنای جنگ و نزاع درست میدانند و برخی مالکیت واقعی را صرفاً از آن خدایان یا خدا می‌دانند و مالکان انسانی این چیزها را گذرا و بخشی از امانت‌هایی که در دستانشان هست در نظر می‌گیرند و برخی هم به مالکیت از اساس اعتقاد ندارند و قائلند تمام مالکیت را باید به دولت سپرد و مالکیت خصوصی نباید وجود داشته باشد. یعنی اینکه چه کسی مالک چه چیزی است، باز می‌گردد به این موضوع که چه کسی بر چه چیزی یا بر داشتن چه چیزی محق است. با نگاهی کمی عمیق‌تر به معنای "مالکیت" می‌بینیم که بایستی به موضوع دیگری در موازات موضوع "مالکیت" نیز فکر کرد و آن مسئله‌ی "حق" است، لذا می‌توان پرسید: حق تملک یک چیز یا یک مکان یا یک ایده را چه کسی بر عهده دارد؟ آیا "حق" داشتن امری توافقی و قراردادی است یا امری بدیهی و طبیعی؟ آیا بین حقوق مراتبی هست؟ مثلاً حق حفظ جان و حق حفظ سرمایه دو حق یکسان هستند یا یکی بر دیگری اولویت دارد؟

باز کردن ذهنمان در مورد این سئوال‌ها می‌تواند ما را کمک کند تا بیشتر به موضوع "مالکیت" فکر کنیم و در کنار موضوع "مالکیت" به موضوع اینکه چه چیزی را می‌توانیم قانون قابل احترام بدانیم و چه چیزی را نه، نزدیک و نزدیک‌تر می‌شویم. این مطالب به هم پیوست آرام آرام تلاش می‌کنند و جوه مهمی از این موضوع را که «چرا نباید هر فرمانی را گوش داد و چرا رعایت قانون بد الزامیست اما عصیان در برابر بهترین فرمان‌ها ضروریست؟» باز کنند.

هنوز که به انتهای این موضوع نرسیده‌ایم، نسبت به حق تصاحب ایران به دست اقلیتی به نام اهالی جمهوری اسلامی نیز، بیشتر تأمل کنید.

حزب ما حزبی برای آزادی-عدالت